



“The Qotb-Abad Quarter and the Qotb-e Owliya Mosque of Kerman (11th–14th Centuries AH): A Historical-Analytical Study of the Quarter’s Significance, the Mosque’s Endowment Deed, and a Newly Discovered Inscription

Amir Hossein Dehghan Anarestani^۱ Hamed Kazerouni^۲

Submitted: 2026-06-20 Revised: 2026-08-02 Accepted: 2026-09-09 Published: 2026-09-03 pp.114-131

Abstract

The Qotb-Abad quarter, located within the historic urban fabric of Kerman, is one of the oldest residential areas, dating back over five centuries. An analysis of historical and documentary sources reveals that, from the Safavid to the Qajar period, this quarter served not only as a hub for religious and educational activities but also as a locus for the formation and sustenance of Kerman’s social, economic, and political relations. This paper aims to reassess and analyze the significance of the Qotb-Abad neighborhood mosque as a cultural and religious center, while delineating the role of its endowments in the local economy. By considering its associated structures and their significance, the present research offers new findings regarding the mosque, its extant inscriptions, and the evolution of its nomenclature and architecture, thereby facilitating a comprehensive understanding of the Qotb-Abad quarter’s socio-cultural, economic, and political environment. This study employs a historical methodology with a descriptive-analytical approach. Data collection was conducted through library research, supplemented by field studies of the mosque’s architecture and inscriptions. Ultimately, it appears that the historic Qotb-Abad quarter, situated adjacent to the Governor’s Citadel (Arg-e Hokumati) and located between commercial hubs and the transit routes of political elites, functioned as one of Kerman’s most vibrant urban cores over the past three centuries. At the heart of this district, the Qotb-e Owliya Mosque—supported by a Safavid endowment deed and positioned near the Madrasa and its associated bazaar—played a dual cultural and economic role, becoming the focal point of Qotb-Abad’s social identity.

Keywords: : Kerman (Iran); Qotb-Abad Quarter; Qotb-e Owliya Mosque; Safavid and Qajar Waqf (Endowment) Deeds; Endowment Inscriptions.

CONFLICT OF INTERESTS

The authors declare that there is no conflict of interest regarding the publication of this paper.

This is an open access article under the terms of the [Creative Commons Attribution-NonCommercial License](#), which permits use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and is not used for commercial purposes.

© 2024 The Author(s). Journal of Codicology and manuscript research published by Torath pub. on behalf of the Scientific Association of Manuscript Research and Codicology of IRAN.



^۱ PhD Candidate in Hadith Studies, Specialized Center for Hadith Sciences and Teachings, Qom Seminary.

^۲ MA Student in History of Islamic Culture and Civilization, University of Islamic Teachings and Ma'aref, Qom.



References

- Ibn Abi Jumhur, Muhammad ibn Zayn al-Din, (1405 AH), *Awali al-La'ali al-Aziziyyah fi al-Ahadith al-Diniyyah*, edited by Mojtaba Araqi, Qom: Dar Sayyid al-Shuhada Publishing.
- Afdal al-Mulk, Gholamhossein, (n.d.), *Safarnameh-ye Khorasan va Kerman* [Travelogue of Khorasan and Kerman], edited by Qodratollah Rowshani, Tehran: Toos.
- Barqi, Ahmad ibn Muhammad ibn Khalid, (1371 SH), *Al-Mahasin*, Qom: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Daneshvar, Mohammad, (1388 SH), *Mahalleh-haye Ghadimi-ye Shahr-e Kerman* [Old Neighborhoods of Kerman City], Kerman: Kermanology Foundation.
- Razmara, (1328 SH), *Farhang-e Joghrafiyayi-ye Iran* [Geographical Dictionary of Iran], Tehran: National Geographical Organization.
- Saduq, Muhammad ibn Ali, (1413 AH), *Man La Yahduruhu al-Faqih*, edited by Ali Akbar Ghaffari, Qom: Jame'eh Modarresin.
- Kulayni, Muhammad ibn Ya'qub, (1429 AH), *Al-Kafi*, Qom: Dar al-Hadith.
- Mehrabi Kermani, (1320 SH), *Tadhkirat al-Awliya*, Tehran: [No Publisher].
- Masoud Safaeipour, Salman Izad-Nejad, (1403 SH), *Studies on Sustainability and Development of Climate-Responsive Settlements*, Vol. 3, No. 1, Spring and Summer 1403, Serial No. 3.
- Mashizi Kermani, (1369 SH), *Tadhkireh-ye Safaviyyeh-ye Kerman*, edited and annotated by Mohammad Ebrahim Bastani Parizi, Tehran: Elm Publishing.



doi محله قطب آباد و مسجد قطب اولیاء کرمان (قرن ۱۱ تا ۱۴ق)؛

پژوهشی تاریخی - تحلیلی بر جایگاه محله، وقفنامه مسجد و کتیبه نویافته

amirhossein.dehghan@anarestani.ir امیرحسین دهقان انارستانی^۱ hamed.kazerouni@sanadshenasi.ir حامد کازرونی^۲

از صفحه ۱۱۴ تا صفحه ۱۳۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۳۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۵/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۱۸ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱

چکیده

محله قطب آباد در بافت تاریخی شهر کرمان، یکی از کهن ترین نواحی شهری است که پیشینه ای بیش از پنج قرن دارد. تحلیل منابع تاریخی و اسنادی نشان می دهد که این محله از دوره صفویه تا قاجار نه تنها مرکز فعالیت های دینی و آموزشی؛ بلکه عرصه ای برای تکوین و تداوم روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کرمان بوده است. نوشتار حاضر در صدد بازشناسی و تحلیل جایگاه مسجد محله قطب آباد به عنوان مرکز فرهنگی، مذهبی و نقش موقوفات مسجد در اقتصاد قطب آباد را ترسیم نموده است. پژوهش پیش رو با در نظر داشتن بناهای وابسته و اهمیت آن کوشیده تا یافته هایی نو پیرامون مسجد مذکور، کتیبه های موجود، تحول تاریخی نام و بناهای آن ارائه دهد تا به این وسیله فضای حاکم بر محله قطب آباد در سه محور فرهنگی، اقتصادی و سیاسی به صورت کامل بازشناسی شود. این مقاله با روش تاریخی و رویکرد توصیفی-تحلیلی سامان یافته و روش گردآوری داده ها کتابخانه ای و با مطالعه کتیبه ها و بنای مسجد انجام شده است. در نهایت به نظر می رسد محله قطب آباد، در مجاورت ارگ حکومتی و میان کانون های تجاری و مسیرهای رفت و آمد رجال سیاسی، یکی از فعال ترین هسته های شهری کرمان در سه قرن اخیر بوده است. مسجد قطب اولیاء در قلب این بافت، با وقفنامه صفوی در مجاورت مدرسه علمیه، بازارچه وابسته و پیوند با سنت های مذهبی محله، نقشی همزمان فرهنگی و اقتصادی ایفا کرده و به محور هویت اجتماعی قطب آباد بدل شده است.

واژه های کلیدی: ایران-کرمان؛ محله قطب آباد؛ مسجد قطب اولیاء؛ وقفنامه های صفوی و قاجاری؛ کتیبه های وقفی.

Cite this article: Amir Hossein Dehghan Anarestani. Hamed Kazerouni. (2026). A comparative Comparison of Heydari's History by Hosseini Razi with Tatavi's Alfi History.). Journal of Diplomatic Studies and Research (DPR) Vol-1, Issue-2, 114-131. <https://doi.org/10.22034/crtc.2024.433685.1130>

۱. دانشجوی دکتری علوم حدیث؛ مرکز تخصصی علوم و معارف حدیث حوزه علمیه قم.

۲. دانشجوی ارشد رشته تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی قم.



مقدمه:

ایران در روزگار صفویه، به‌ویژه از نیمه نخست سده یازدهم هجری، به مرحله‌ای از تثبیت سیاسی و انسجام مذهبی رسید که پیامدهای عمیقی بر ساختار اجتماعی، فرهنگی و کالبدی شهرهای ایرانی به‌جا گذاشت. تمرکز قدرت مرکزی، رواج گسترده فرهنگ وقف، و اهتمام حکومت در تقویت نهادهای دینی و خدماتی موجب شد بسیاری از محلات شهری، که پیش‌تر واحدهایی صرفاً مسکونی بودند، به هسته‌هایی فعال در حیات مذهبی، اقتصادی و حتی سیاسی بدل شوند. این دوره شاهد گسترش چشمگیر مساجد، آب‌انبارها، بازارچه‌ها و مدارس علمیه در شهرهای بزرگ و متوسط و حتی روستاهای ایران بود؛ بناهایی که نه‌تنها عملکردی خدماتی داشتند، بلکه حامل معناهای اجتماعی و نمادهای هویتی نیز بودند و شکل‌گیری شبکه مناسبات شهری را تحت تأثیر قرار می‌دادند.

در چنین فضایی، سنت دیرپای وقف — که پیش از صفویه نیز وجود داشت — در این دوره به اوج کارآمدی و تنوع کارکردی خود رسید. وقف مساجد، خانه‌ها، دکان‌ها و بناهای عام‌المنفعه، ضمن آنکه پشتوانه اقتصادی پایداری برای اداره مراکز مذهبی ایجاد می‌کرد، محلات را به گره‌گاه‌هایی فعال در سازمان شهری تبدیل می‌ساخت. آب‌انبارها با نقش حیاتی خود در تأمین آب آشامیدنی، بازارچه‌ها با گردش روزانه اقتصاد خرد، و مدارس علمیه با تمرکز چهره‌های علمی، همگی در کنار مساجد، ساختاری درهم‌تنیده از دین، اجتماع و معیشت پدید می‌آوردند که در بسیاری از شهرهای ایران تا اواخر دوره قاجار استمرار داشت. در این میان، محلات کوچک‌تر، با وجود محدودیت کالبدی، گاه نقشی فراتر از اندازه جغرافیایی خود می‌یافتند؛ زیرا بهره‌مندی از یک مسجد فعال، چند دکان وقفی، یا حضور شخصیت‌های فرهنگی و رجال سیاسی، می‌توانست آنها را در سلسله‌مراتب قدرت و منزلت شهری به جایگاهی بالاتر برساند.

شهر کرمان نیز به‌عنوان یکی از مراکز مهم شرقی ایران، از این تحولات برکنار نماند. ترکیب لایه‌های حکومتی، اقتصادی و مذهبی در ساختار شهر سبب شد برخی نواحی، مستقل از بزرگی یا کوچکی، به موقعیت‌هایی ممتاز دست یابند. یکی از این نواحی، محله قطب‌آباد است که بر اساس شواهد اسنادی و بررسی‌های تاریخی موجود در این پژوهش، پیشینه‌ای بیش از پنج قرن دارد و دست‌کم از اواخر روزگار صفویه تا پایان عصر قاجار، یکی از فعال‌ترین هسته‌های شهری کرمان بوده است. موقعیت جغرافیایی این محله — در مجاورت ارگ حکومتی و در مسیر رفت‌وآمد شخصیت‌های اداری، خود گویند آن است که قطب‌آباد صرفاً یک منطقه مسکونی معمولی نبوده؛ بلکه محل تلاقی نیازهای اجتماعی، امنیتی، اقتصادی و عبادی شهر به‌شمار می‌رفته است.

مسجد محله، که بعدها با عنوان «مسجد قطب‌اولیاء»^۱ شناخته شد، مهم‌ترین شاخص این کارکرد چندوجهی است. وجود کتیبه صفوی با تاریخ ۱۰۲۲ ق و وقف‌نامه آن، نشان می‌دهد که مسجد از همان آغاز، بنایی برخوردار از پشتوانه

۱. بنابر آنچه در تذکره الأولیاء محرابی کرمانی دیده می‌شود این لقب از آن شخصی مورد احترام به نام شیخ کرزالدین بوده است که محل دفن آن در نزدیکی مسجد قطب اولیاء بوده است. بعدها حجره‌ای بر قبر او ساخته شد که اکنون متصل به مسجد است. این امر به مرور موجب نامگذاری مسجد به قطب اولیاء گردید.



اقتصادی و مورد توجه واقفان بوده است. در امتداد این سنت، سنگنگاره وقفی ۱۳۰۷ ق که اخیراً در جریان بازسازی مسجد به دست آمده، شاهدی دیگر بر پویایی فرهنگی محله و استمرار نگاه مذهبی و اجتماعی به بناهای وابسته به مسجد است. وقف یک «خانه مسکونی» برای امور مربوط به سیدالشهدا علیه السلام، آن هم درست در محلی که در کنار حسینیه بزرگ میرزا حسین خان وزیر قرار داشته، نشان می دهد که قطب آباد در دوره قاجار نیز همچنان عرصه تلاقی شعائر مذهبی، ساختار اجتماعی و شبکه خدمات محلی بوده است.

افزون بر این، وجود مدرسه علمیه وابسته به حسینیه وزیری^۱ که محل تحصیل و تدریس علمای برجسته ای چون آخوند ملاجعفر و شیخ مهدی بحر العلوم بوده است (دانشور، ۱۳۸۸، ص ۱۹۲)، بعد دیگری از اهمیت فرهنگی محله را آشکار می سازد. در محلات تاریخی کرمان، تجمع علما و طلاب غالباً شاخصی تعیین کننده برای اعتبار اجتماعی به شمار می رفت، و قطب آباد از این حیث در شمار محلات ممتاز قرار می گیرد. بازارچه مجاور مسجد و دکان های وقفی آن نیز گویای پیوند اقتصاد خرد و خدمات مذهبی است؛ گزاره ای که هم در منابع تاریخی و هم در روایت های موجود در این پژوهش انعکاس یافته است. در کنار همه این عناصر، وجود آب انبارهای بزرگ مانند آب انبار حاج محمدتقی (صمصام)، که تا پیش از تخریب در سال ۱۳۰۸ ش در محدوده محله قرار داشت (محرابی کرمانی، ۱۳۲۰، ص ۳۳)، نیازهای زیستی و سازمان رفاهی آن را تکمیل می کرد.

با کنار هم قرار دادن این اجزاء، تصویری روشن از محله قطب آباد به دست می آید؛ محله ای کوچک در ظاهر؛ اما برخوردار از عملکردی چندبعدی که از یک سو ساختار دینی و آموزشی آن را شکل می داد و از سوی دیگر، مرکزیتی اقتصادی و نقطه اتصال با تشکیلات اداری شهر فراهم می کرد. شواهد تاریخی نشان می دهد که در دوره های صفویه و قاجار، قطب آباد محل اقامت و رفت و آمد رجال مهم و مأموران حکومتی نیز بوده است؛ موضوعی که در سفرنامه ها و منابع بومی همان دوران انعکاس واضح دارد. استقرار موقت یا دائم شخصیت هایی همچون قراخان بیگ در دوره صفویه (مشیزی، ۱۳۶۹، ص ۲۸۳) و افضل الملک یا میرزا حسین خان وزیر در عصر قاجار، همراه با نزدیکی محله به ارگ حکومتی، مؤید آن است که قطب آباد نه تنها جایگاهی مذهبی و خدماتی، بلکه محلی برای حضور نخبگان قدرت بوده است.

از این منظر، بررسی تاریخی و اسنادی مسجد قطب اولیاء، نه صرفاً مطالعه یک بنای مذهبی؛ بلکه واکاوی گره گاهی است که لایه های مختلف حیات شهری کرمان را در خود گرد آورده است. این مسجد، با وقف نامه صفوی، کتیبه حدیثی - قرآنی، سنگنگاره قاجاری، مدرسه وابسته، بازارچه مجاور و پیوند ساختاری با حسینیه و آب انبارهای محله، نمونه ای گویا از چگونگی همزیستی دین، اقتصاد و سیاست در پیکره محلات ایرانی است.

پرسش و فرضیه پژوهش: مسئله ای که این پژوهش به آن می پردازد، فهم جایگاه تاریخی، فرهنگی و اجتماعی مسجد قطب اولیاء در بستر محله قطب آباد است؛ بستر و شبکه ای که بدون شناخت آن، نمی توان به درکی جامع از نقش مسجد

۱. حسینیه ای قدیمی در محل قطب آباد که علاوه بر کارکرد عزاداری از سال ۱۳۰۸ ق به محلی برای پرورش طلاب دینی تبدیل شد.



در حیات شهری کرمان دست یافت. مسئله اصلی این پژوهش از دل همین پرسش برمی خیزد که: چگونه یک محله کوچک — با عناصر محدود؛ اما منسجم، توانسته برای بیش از سه قرن، نقش همزمان مذهبی، اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاسی را حفظ و بازتولید کند؟

پژوهش حاضر در پی پاسخ گویی به این پرسش از رهگذر جواب به پرسش زیر است:

۱. مسجد قطب اولیاء در بستر تاریخی محله قطب آباد، چه تحولاتی را از نظر نام گذاری، کارکرد و پیوند با عناصر پیرامونی تجربه کرده است؟

پیشینه پژوهش:

مرور منابع موجود نشان می دهد که آگاهی ما از محله قطب آباد و مسجد قطب اولیاء، علی رغم قدمت و اهمیت تاریخی این مجموعه، همچنان محدود و ناهمگون است. در میان آثار قدیم، حاشیه کوهی کرمانی بر تذکره الأولیاء محرابی کرمانی از نخستین پژوهش هایی هستند که به این محله اشاره کرده اند؛ با این حال، تمرکز این دو اثر صرفاً بر قبر شیخ کرزالدین است و نویسندگان، به رغم ثبت برخی مشاهدات میدانی، از ارائه تصویری جامع از وضعیت اقتصادی، سیاسی و مذهبی محله یا تحلیل اسناد آن از جمله کتیبه ها و وقف نامه ها بازمانده اند. در این آثار، نه خوانش تخصصی کتیبه ها انجام شده و نه بستری برای فهم جایگاه مسجد در شبکه اجتماعی محله فراهم گردیده است.

در گام بعد، کتاب محله های قدیمی شهر کرمان اثر محمد دانشور با دایره گسترده تری از اطلاعات، در نگاه نخست تصویری کامل تر ارائه می کند؛ وی کوشش نموده تا بناهای شاخص را شناسایی کند و به برخی تغییر و تحولات نیز اشاره کرده است. او به کتاب محرابی کرمانی اشاره کرده و از برخی حواشی نکاتی را برجسته نموده است؛ با این حال، این روایت نیز با محدودیت هایی جدی روبه رو است. دانشور تنها به یک کتیبه دسترسی داشته، این کتیبه نیز به طور کامل خوانش نشده و حتی نام واقف در متن کتاب درج نشده است. تحقیق این نویسنده در واقع گردآوری پاره ای از گزارش هایی است که عاری از هرگونه تحلیل ساختاری و نظام مند تلقی می شود. افزون بر این، نویسنده از ظرفیت مهم منابع مرتبط، از جمله سفرنامه افضل الملک و دیگر گزارش هایی که به ورود رجال سیاسی و نقش اداری قطب آباد از صفویه تا قاجار اشاره دارند، بهره نبرده است. به همین دلیل، داده های او گرچه سودمندند، اما هنوز ظرفیت تحلیل کارکرد سیاسی محله و نیز نقش چندگانه مسجد در حیات اجتماعی و اقتصادی آن را آشکار نمی سازند.

از سوی دیگر، آثار یادشده فاقد توجه به کتیبه وقفی نویافته سال های اخیر (وقف نامه ۱۳۰۷ق) و همچنین فاقد اشاره به نام واقف مسجد در وقف نامه صفوی سال ۱۰۲۲ق هستند؛ دو داده ای که در فهم ساختار اقتصادی و سازمان مذهبی محله اهمیتی اساسی دارند. این غفلت، به ویژه درباره نام واقف، بخشی مهم از شناسنامه تاریخی مسجد را در پژوهش های پیشین پنهان گذاشته است.



به طور کلی می توان گفت تاکنون پژوهشی که بتواند تصویری یک پارچه، تحلیلی و مستند از محله قطب آباد ارائه دهد و جایگاه مسجد قطب اولیاء را در پیوند با سازوکارهای مذهبی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن بازسازی کند، انجام نشده است. پژوهش حاضر درصدد است این خلأ را با بهره گیری از اسناد بومی، کتیبه ها، وقف نامه ها و گزارش های سفرنامه های تاریخی برطرف سازد و زمینه فهم دقیق تر از چندوجهی بودن این محله کهن و نقش محوری مسجد در آن فراهم آورد.

روش پژوهش: این پژوهش با اتخاذ رویکردی توصیفی-تحلیلی و بر پایه تلفیق منابع مکتوب و داده های میدانی انجام شده است. در گام نخست، آثار پیشین مرتبط با محله قطب آباد و مسجد قطب اولیاء-مزارات کرمان، تعلیقه کوهی کرمانی، و محله های قدیمی شهر کرمان- به منظور استخراج اطلاعات تاریخی پایه، نقد داده های موجود، و شناسایی شکاف های دانشی مورد بهره برداری قرار گرفت. هم زمان، مجموعه ای از سفرنامه ها و منابع تاریخی دوره صفویه تا قاجار، به ویژه روایت های مرتبط با جای گیری رجال حکومتی در محله و توصیف موقعیت مسجد، به عنوان شواهد مکمل در بازسازی بستر اجتماعی و اداری محله استفاده شد.

در گام دوم، پژوهش به صورت میدانی دنبال گردید و بنای مسجد قطب اولیاء، قبر قطب و دو کتیبه اصلی مسجد (وقف نامه ۱۰۲۲ ق و سنگ نگاره ۱۳۰۷ ق) از نزدیک مشاهده، مستند و تحلیل شدند. خوانش دقیق متن کتیبه ها، بررسی ویژگی های معماری و کالبدی مسجد، و مقایسه داده های میدانی با اطلاعات مکتوب، امکان بازسازی ساختار تاریخی و فرهنگی محله را فراهم ساخته است.

این ترکیب از مطالعه اسنادی، تحلیل متون تاریخی-سفرنامه ای، و مشاهده میدانی مستقیم، روش پژوهش را بر بنیانی استوار قرار داده و زمینه ارائه روایتی جامع و مستند از جایگاه مسجد و نقش چندبعدی محله قطب آباد را فراهم کرده است.

یافته های این پژوهش نشان می دهد محله قطب آباد، به واسطه پیوند منسجم میان مسجد، بازارچه، آب انبار و حضور رجال سیاسی، طی سه قرن کارکردی هم زمان مذهبی، اقتصادی و اداری داشته است. تحلیل وقف نامه ۱۰۲۲ ق و سنگ نگاره ۱۳۰۷ ق نشان داد که موقوفات، پشتوانه اصلی پایداری مسجد و عامل گسترش کارکردهای اجتماعی آن بوده و وقف خانه مجاور، امتداد نقش حسینیه ها در سامان دهی مناسک و تقویت بنیان های فرهنگی محله را آشکار می کند. بررسی اسناد و شواهد میدانی نیز نشان داد که مدارس علمیه وابسته به مسجد و حسینیه وزیری، نقشی مؤثر در تعلیم و تربیت طلاب و ارتقای جایگاه علمی-فرهنگی محله ایفا کرده اند.

بحث و بررسی

۱. موقعیت جغرافیایی و جایگاه محله قطب آباد



الف. موقعیت جغرافیایی محله قطب آباد:

محله قطب آباد از کهن ترین بخش های بافت قدیم شهر کرمان است و پیشینه ای بیش از پانصد سال دارد. این محله در محدوده شرق خیابان شریعتی کنونی قرار گرفته و از سمت شمال به محله «خواجه خضر»، از جنوب به «باغ لاله» و از غرب به خیابان فلسطین (صمصام) محدود می شود. در گذر زمان، به ویژه پس از احداث خیابان ها و بناهای جدید، بخش هایی از اراضی و بافت تاریخی آن دگرگون شده؛ اما عناصر اصلی آن از جمله کوچه های منتهی به مسجد همچنان حفظ شده است. قرار گرفتن این محله در مجاورت کانون های اقتصادی، فرهنگی و مذهبی شهر، بر نقش و اهمیت آن در سده های گذشته افزوده و آن را به یکی از محورهای اصلی زندگی شهری در کرمان بدل کرده است.

ب. جایگاه فرهنگی، اقتصادی:

واکاو منابع تاریخی نشان می دهد که قطب آباد سه نقش مهم فرهنگی، اقتصادی و استراتژیک را بر عهده داشته است. از این جهت می توان گفت این محله در تاریخ کرمان از اواخر صفویه تا سال های پس از خاتمه ایام زمامداری سلسله قاجار، موقعیت ممتازی در بافت تاریخی شهر ایفا کرده است. در راستای حضور اهل سلوک به عنوان یکی از مولفه ای فرهنگی محله مورد نظر می توان به نام قطب آباد استناد کرد. گرچه مشخص نیست از چه زمانی این محله به این نام شهرت یافته و دلیل این تسمیه چه بوده است؛ اما حضور برخی اقطاب صوفیه به عنوان مروجان عرفان اسلامی، در این محله تأیید می شود (محرابی کرمانی، ۱۳۲۰، ص ۳۳) به نحوی که می تواند از دوره صفویه در نامگذاری آن به قطب آباد نقش جدی و محوری داشته باشد. نگاهی به نام های آبادی های ایران نشان می دهد، این نام بر تعدادی از آبادی ها هم چنان باقی است و از این بین می توان به قطب آباد فین در بندرعباس (رزم آرا، ۱۳۲۸، ج ۸ ص ۱۰) قطب آباد رودآب شهر بم (رزم آرا، ۱۳۲۸، ج ۸ ص ۴۷) و به همین نام در منطقه ای واقع در رفسنجان کرمان (رزم آرا، ۱۳۲۸، ج ۸ ص ۲۰۷) اشاره کرد. از جایی که پسوند آباد اشاره به معموره بودن داشته و قطب نیز از عناوین صوفیانه است به این ترتیب احتمال دارد این مرکب به معنای آبادی منسوب به قطب باشد؛ به نحوی که یکی از اقطاب صوفیه در پایه گذاری و یا گسترش آن نقش داشته است. از آنجایی که گزارشی در مورد وجود قطب های آسیاب در این محله وجود ندارد و معانی دیگر قطب مانند موضع عقیق یا ستاره قطب با این ترکیب و وضعیت محله سازگاری لازم را ندارد، می توان احتمال زندگی اقطاب صوفیه در این محله و نقش آن ها در شکل گیری و پیشرفت آن را تقویت کرد گرچه داده های تأیید کننده اساسی تر در این باره وجود ندارد.

در این میان محوریت مسجد و بعدها احداث تکیه و مدارس تعلیم و تربیت بر نقش فرهنگی این محله افزوده است. از آنجایی که برپایی کلاس های درس و مباحث علمی با قانون وقف مساجد و حسینیه ها در تضاد نیست، بلکه یکی از مهم ترین جنبه های کارکرد این موقوفات به شمار می رود، همواره این دسته از موقوفات با تنظیم وقف نامه ای مناسب محلی برای شکل گیری حلقه های درسی و اخلاقی بوده است. کتاب های تاریخی و سفرنامه ای از دوره صفویه تا قاجار نیز در توصیف قطب آباد، به مسجد اشاره کرده اند و این نکته تأکید برجستگی مساجد و اماکن مذهبی در معماری بومی اسلامی را نشانگر است.



به علاوه نقش اقتصادی قطب آباد با توجه به وجود چندین مغازه وقفی، بازار و آب انباری که تاریخ مرمت آن به دوران شاه عباس اول باز می گردد (دانشور، ۱۳۸۸، ص ۱۸۸) به روشنی هویدا است. وجود یکی از مهم ترین ارکان اقتصادی یعنی بازار در کنار مراجعه روزانه مردم به آب انبار می تواند تصویر روشنی از اهمیت قطب آباد را ترسیم کند. بنابراین، محله قطب آباد نه تنها جایگاه مذهبی و آموزشی داشته؛ بلکه به عنوان یک واحد اجتماعی پرنفوذ شناخته می شده است. تجمع علمای برجسته، بازارچه های فعال و وجود بناهای عام المنفعه، این محله را به قلب تپنده بخش شرقی کرمان بدل کرده بود.

رفت و آمد رجال حکومتی، شخصیت های مهم و استقرار مسافران مرتبط با دستگاه حاکم سومین کار کرد قطب آباد در دوره صفویه و قاجار بوده است. شواهد تاریخی نشان می دهد که قطب آباد صرفاً یک محله مذهبی-بازاری نبود؛ بلکه دست کم در برخی دوره های تاریخی به محل استقرار و اقامت موقت یا دائم برخی شخصیت های حکومتی تبدیل شده بود به نوعی که می تواند موقعیت استراتژیک محله را به خوبی نشان دهد هرچند نقش سیاسی آن چندان پررنگ نیست.

در این باره به دو نمونه زیر توجه کنید:

نمونه اول: دوره صفویه واقعه ورود «قراخان بیگ» در سال ۱۰۶۹ ق به عنوان نایب و جانشین عالیجاه وزیر عطار که به نیابت از صفی قلی بیگ به کرمان مأمور شده بود، در «خانه خاص بیگی» در محله قطب آباد رخ داده است. این خانه، مجاور مسجد میرزا تقی (که استاد باستانی آن را همان مسجد قطب آباد می داند)، و نزدیک باغ نظر بوده است. (مشیزی، ۱۳۶۹، ص ۲۸۳) انتخاب این محل برای استقرار یک مأمور بلندپایه حکومت، آن هم در ورودی مأمور ویژه حکومتی، نشانگر موقعیت امن، دسترسی آسان به مراکز قدرت و احتمالاً ارتباط با تشکیلات اداری شهر بوده است. با توجه به اینکه مسجد از نخستین بناهایی است که در آبادی های کوچک و بزرگ احداث می شود و اتکاء به تاریخ احداث مسجد در سال ۱۰۲۲، می توان به روشنی دریافت که قطب آباد تنها چند سال پس از تأسیس و یا دست کم پیشرفت و رونق دوباره به یک مرکز مهم سیاسی تبدیل شده؛ به نحوی که در میان محله های مختلف شهر میزبان شخصیت های برجسته حکومتی بوده است. بر این اساس در کنار موقعیت امن قطب آباد، نزدیکی به مرکز حکومت، دسترسی های رفاهی و وضعیت مطلوب فرهنگی از این واقعه قابل نتیجه گیری است.

نمونه دوم: دوره قاجار

الف. غلامحسین خان افضل الملک به عنوان یک مستوفی دیوانی در سال ۱۳۲۱ ق پس از طی مسافت سخت از شهرهای خراسان، کویر طبس، راور، کوهپایه به کرمان می رسد. وی موقعیت محله قطب آباد را جایی پشت ارگ حکومتی عنوان کرده و به محل اقامت خود در این محله اشاره کرده است.

وی در سفرنامه خود می نویسد:

«فراشباشی قبل از وقت به حکم بندگان حضرت مستطاب اشرف امجد اسعد، والی، شاهزاده بزرگوار و ملک زاده نامدا رکن الدوله والی و فرمانفرمای مملکت کرمان و بلوچستان در محله «قطب آباد» که پشت عمارات ارگ است خانه از برای من و همراهانم تهیه کرده بود. اهل خانه را با بار و بنه بانجا فرستاده خود با لباس سفر با صورت پر



از گرد و غبار به ارگ باشکوه دیوانخانه ایالتی رفتیم» (افضل الملک، بی تا، ص ۱۸۹)

ب. میرزا حسین خان وزیر جد احمد علی خان وزیری (مؤلف کتاب تاریخ و جغرافیای کرمان) که علاوه بر آنکه از ثروتمندان مشهور کرمان بود، در سیاست ورزی و نویسندگی شخصیتی برجسته محسوب می شده است، در این محله زندگی می کرده است. (دانشور، ۱۳۸۸، ص ۱۹۰) بنابر آنچه در کتاب محله های قدیمی شهر کرمان آمده وی کتابی در تاریخ کرمان با محوریت دوران ظهیر الدوله تدوین نموده که ظاهراً به خط خود او است. وی صندوق دار آقا محمد خان قاجار در دوره فتح کرمان و از اوائل حکومت فتحعلی شاه تا اواسط حکومت محمد شاه قاجار بوده و وزارت و پیشکاری حکام آن دوران را داشته است. تسلط وی به امور محاسباتی و دیوانی از دیگر توانایی های وی محسوب می شده به نحوی که محاسبات دقیقی را در حضور فتحعلی شاه قاجار انجام داده است. (دانشور، ۱۳۸۸، ص ۱۹۲)

این سه روایت به خوبی موقعیت محله مورد بحث را به عنوان محل مناسبی برای استقرار شخصیت های مهم و سکونت رجال حکومتی و حلقه واسط میان بافت مسکونی شهر و مرکز اداره حکومت، تثبیت می کند. بدون شک وجود امکانات رفاهی لازم و نزدیکی آن به مرکز حکومت در این نقش بی تأثیر نبوده است.

در نهایت می توان گفت، شواهد تاریخی نمایانگر این نکته است که قطب آباد، در طول بیش از سه قرن، مرکز هم زمان قدرت اجرایی و ارتباطات مذهبی بوده؛ محله ای که نزدیکی اش به ارگ، حضور رجال مهم، و موقعیت تجاری-مسجدی منحصر به فرد، آن را از یک محله معمولی به یک لایه حساس در ساختار مرکزی شهر کرمان تبدیل کرده است.

بناهای شاخص

۱. مسجد

بر اساس برخی پژوهش های تاریخی، شاخص ترین بنای هر محله که نقش مذهبی، فرهنگی، علمی و تربیتی را ایفا می کرده مسجد بوده است. کارکرد مسجد در تاریخ محدود به مناسک عبادی نبوده و حتی معماری مسجد در الگوی سازه های شهری موثر بوده است. (صفایی پور، ۱۴۰۳، ص ۱۱) نقش مسجد قطب آباد نیز در تربیت فرهنگی محله پر رنگ جلوه نموده. این بنای شاخص از دوره صفویه تا قاجار مرکز علمی و فرهنگی است. مسجدی که دارای دو درب می باشد، یک در به سمت خیابان شریعتی باز می شود که سابقاً در جلوی آن آب انبار و مغازه وجود داشت و یک درب به سمت کوچه ای که محل زندگی شخصیت هایی چون میرزا حسین خان وزیر بوده است. (دانشور، ۱۳۸۸، ص ۱۹۰) بر اساس کتیبه موجود، تاریخ اتمام بنای مسجد به سال ۱۰۲۲ ق باز می گردد.

الف. سیر تحول نامگذاری:

مسجد محله قطب آباد دارای یک عنوان واحد نبوده است. بررسی منابع تاریخی نشان می دهد که عنوان قطب اولیاء بر این مسجد از ابتدا وجود نداشته است؛ به نحوی که اولین نشانه ها از نامگذاری آن به این اسم به سال ۱۳۱۸ ش بازمی گردد جایی که کوهی کرمانی در تعلیقه خود بر کتاب *مزارات کرمان* از این مسجد به عنوان مسجد قطب اولیاء نام می برد.



(محرابی کرمانی، ۱۳۲۰، ص ۳۳) چندان مشخص نیست که این عنوان از چه زمانی بوده؛ اما احتمال می‌رود احداث بنایی بر قبر شیخ کرزالدین یا شیخ قوام الدین که به قطب اولیاء شهرت پیدا کرده است و اتصال آن به مسجد در شهرت مسجد به این اسم، بی تأثیر نبوده است. بر اساس کتیبه و اذعان محرابی کرمانی به محل قرارگیری قبر شیخ کرزالدین بنایی که بر روی قبر احداث شده بعدها به مسجد ملحق گردیده است. در این میان اینکه این مسجد در زمان صفویه (۱۰۶۹) با عنوان مسجد میرزا تقی شهرت داشته باشد نیز وجود دارد چنانچه باستانی پاریزی در تعلیقه خود بر کتاب تذکره صفویه کرمان و در ضمن بیان مجاورت خانه خاص بیگی در مقابل مسجد میرزاتقی این احتمال را مطرح کرده است. (مشیزی کرمانی، ۱۳۶۹، ص ۲۸۳) با این وجود دلیل قابل توجهی بر نامیدن مسجد به میرزاتقی وجود ندارد و این اسم در کتیبه مسجد و در ضمن نام های احداث کنندگان بیان نشده است. به هر حال این مسجد، دست کم با نام های مسجد محله قطب آباد و مسجد قطب اولیاء شهرت داشته است و امروزه با نام دوم و در محاورات به مسجد قطب شهره است.

ب. کتیبه مسجد:

از جمله اسناد مهم در مورد مسجد مورد بحث، کتیبه ای است که بر روی دیوار در طرف غرب مسجد نصب شده است. این کتیبه مستطیل شکل که بر روی مرمر سبز حکاکی شده و تزئیناتی در صدر و اطراف خود دارد، حاوی نوشته ای به این صورت است:

متن:

«عن رسول الله صلوات الله عليه و آله من بنى مسجدا كمفحص قطاء بنى الله له بيتاً فى الجنة»

و قال عليه السلام «إذا رأيتم الرجل يعتاد المساجد فاشهدوا له بالایمان» و قال الله تعالى «انما يعمر مساجد الله من آمن بالله و اليوم الآخر».

در این عبارت ابتدا دو حدیث از رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مورد بنای مسجد ذکر شده، که دربردارنده ترغیب به ساختن مساجد و همچنین جایگاه ایمان فردی است که به مساجد رفت و آمد داشته است. پس از آن آیه ۱۸ سوره توبه آمده که شهادت قرآن به ایمان کسی است که در ساخت این بنای مذهبی مشارکت دارد. سه عبارت پیش گفته به مناسبت وقف نامه مسجد درج شده و به نوعی بیانگر جایگاه واقفان و سازندگانی است که از اموال خود برای این کار هزینه کرده اند.

روایت اول در کتاب های حدیثی معتبر شیعه مانند *المحاسن* (برقی، ۱۳۷۱، ص ۵۵)، *الکافی* (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۶، ص ۳۰۷) و *من لایحضره الفقیه* (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۳۵) ذکر شده و درجه اعتبار بیشتری نسبت به حدیث دومی دارد که در *عوالی اللثالی* (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۳۲) درج شده و این نکته علت تقدم درج روایت اول را واضح ساخته است.

حاشیه:



حاشیه کتیبه مزین به نام چهارده معصوم می باشد که با اوصاف کوتاه و به هم پیوسته بیان شده است. عبارت حاشیه به این صورت است:

اللهم صل علی محمد المصطفی و علی المرتضی و الحسن المجتبی و الحسين الشهید بکربلا و علی بن الحسین زین العابدین و جعفر بن محمد الصادق و موسی بن جعفر الکاظم و علی بن موسی و محمد بن علی التقی و علی بن محمد النقی و الحسن بن علی و الحجة القائم المنتظر محمد المهدی صلوات الله و سلامه علیهم.

ج. وقف نامه:

حاشیه زیرین کتیبه نشان می دهد این مسجد در تاریخ ۱۰۲۲ ق توسط شخصی به نام شمس الدین بن عبد الله وقف شده است.

عبارت وقف به این صورت است:

«لقد وقف لله هذا المسجد تقرباً الى الله شمس الدین بن عبد الله فی شهر سنه ۱۰۲۲».

چنانچه پیدا است این مسجد در دوران حکومت شاه عباس صفوی وقف شده؛ اما داده های کافی برای معرفی واقف وجود ندارد.

د. کتیبه نو یافته:

در سال های اخیر و در مسیر بازسازی بخشی از مسجد سنگ نگاره ای مشتمل بر یک وقف نامه یافت شده است. این وقف نامه در امتداد پویایی فرهنگ محله قطب و اهمیت دادن به اختصاص بناهایی است که مناسک مذهبی در آن برپا می شود.

متن وقف نامه به این شرح است:

هو الواقف

وقف حضرت سید الشهداء نمود، کربلائی علی محمد المجد، خانه واقعه محله قطب را و تولیت مفوض است به کربلائی قاسم به تاریخ صفر ۱۳۰۷ ق.

چنانچه پیدا است در کنار مسجد قطب خانه ای وجود داشته که وقف سید الشهداء علیه السلام شده است. این وقف نامه علاوه بر اینکه سنت وقف خانه های مسکونی در دوره قاجار را نشان می دهد، می تواند نشانگر امتداد ساخت، تهیه و در نظر گرفتن بناهایی برای مناسک مذهبی باشد. در واقع در این وقف نامه یک خانه مسکونی وقف امور مربوط به امام حسین علیه السلام است که در کنار حسینییه بزرگ میرزا حسین خان وزیر وضعیت فرهنگی این محله را به خوبی نشان نمایانگر است. (دانشور، ۱۳۸۸، ص ۱۹۲) نکته حائز اهمیت اینکه درست یک سال قبل از تبدیل حسینییه میرزا حسین خان به مدرسه انوشیروان، این خانه وقف سیدالشهداء علیه السلام شده است. این خانه می تواند در امتداد حسینییه وزیری یا



محلی مستقل برای امورات مربوط به سید الشهداء علیه السلام باشد.

نکته قابل توجه در وقف نامه مورد نظر وقفی است که انواع کارکردهای مربوط به سیدالشهداء را شامل است؛ به عبارت دیگر، واقف با اضافه قیدهایی مانند وقف زوار سیدالشهداء یا وقف عزای سیدالشهداء دایره شمول وقف برای کارکردهایی نظیر تعلیم و تربیت و برپایی مجالس علمی را محدود نساخته و این مسئله علاوه بر اینکه حکایت از دقت گذشتگان در تنظیم وقف نامه است به خوبی اشاره به این نکته دارد که موقوفات ظرفیت ایفای نقش های متعدد را دارا بوده اند.

در مورد شناختنامه واقف یعنی علی محمد المجد اطلاعات چندانی در دسترس نیست. همچنین نام او در زمره سرشناسان خاندان مجد به چشم نمی خورد.

۲. مدرسه علمیه:

در کنار مسجد، مدارس علمیه وابسته وجود داشته که محل تحصیل و تدریس علمای برجسته کرمان مانند مرحوم آخوند ملاجعفر و شیخ مهدی بحرالعلوم بوده است. (دانشور، ۱۳۸۸، ص ۱۹۲) این مدرسه علمیه کوچک در قسمتی از حجره های حسینیه وزیری دایر بوده است. دسترسی به دانشمندان و اهل دانش یکی از شاخص ترین ویژگی های قطب آباد است به نحوی که می تواند جایگاه علمی و فرهنگی این محله را نمایان سازد. چنانچه گذشت حسینیه وزیری از سال ۱۳۰۸ به محلی برای پرورش طلاب اهل علم تبدیل شد. این نکته حائز اهمیت است که با وجود کوچکی این محله و نداشتن مسیر مستقیم به دیگر مدارس علمیه، فضایی مستقل برای دانشاندوزی در آن در نظر گرفته شده بود؛ که افزون بر حضور علما، نشان دهنده علاقه و گرایش جوانان این محله به فراگیری دانش بوده است.

۳. بازارچه:

بر اساس برخی پژوهش های تاریخی در مجاورت مسجد یک بازارچه وجود داشته است و تعدادی دکان نیز جزو موقوفات مسجد بوده است. نقش بازار به عنوان یک محور اقتصادی برای گذران زندگی در مجاورت مسجدی کهن که نماد فرهنگ بومی کرمان است در مکان های دیگر کرمان نیز دیده می شود. (دانشور، ۱۳۸۸، ص ۱۸۸)

۴. آب انبار:

علاوه بر مسجد، این محدوده در گذشته شامل آب انبارهای بزرگ و بازارچه هایی بود که آب آشامیدنی و مایحتاج مردم محله را تأمین می کردند. یکی از مهم ترین این سازه ها «آب انبار حاج محمدتقی (صمصام)» بود که در سال ۱۳۰۸ در مسیر خیابان شاپور و توسعه شهری تخریب شد. (دانشور، ۱۳۸۸، ص ۱۸۸)

شواهد تاریخی نمایانگر این نکته است که قطب آباد، در طول بیش از سه قرن، مرکز هم زمان قدرت اجرایی، امنیت شهری و ارتباطات مذهبی بوده؛ محله ای که نزدیکی اش به ارگ، حضور رجال مهم، و موقعیت تجاری-مسجدی منحصر به فرد، آن را از یک محله معمولی به یک لایه حساس در ساختار مرکزی شهر کرمان تبدیل کرده است.



۵. قبر قطب اولیاء:

با وجود پیگیری های بسیار برای یافتن نشانی از سنگ قبر قطب اولیاء و یا یادداشتی که داده های حک شده را در خود داشته باشد؛ اما تاکنون نگارنده این سطور به این سنگ قبر دسترسی پیدا نکرده است. نویسندگان محله های قدیمی شهر کرمان نیز به دلیل ناآشنا بودن خط سنگ قبر اطلاعاتی را در کتاب خود نیاورده است.

با این وجود، می توان گفت شیخ مدفون در این حجره از چهره های مورد احترام و از عرفای صوفیه بوده است. چنانچه گذشت قبر در ابتدا بیرون مسجد بوده که بعدها با احداث بنایی به مسجد ملحق شده است به نحوی که نام مسجد را نیز از اسم او متأثر شده است.

با وجود آنچه در تابلوی نزدیک قبر درج شده، هیچ سندی دال بر اینکه شخص مدفون از فرزندان موسی بن جعفر ع و از سادات بوده باشد، یافت نشد. این قبر طی ده های گذشته هم چنان محلی برای زیارت و مناسک مذهبی بوده است.

در بازخوانی «بناهای شاخص» در محله قطب آباد، آنچه اهمیت دارد صرف فهرست کردن عناصر کالبدی نیست، بلکه تبیین نسبت میان آن ها و فهم سازوکار درونی بافت تاریخی است. مسجد، مدرسه و بازارچه در این محله، هر یک به تنهایی واجد کارکردی مستقل اند، اما ارزش پژوهشی اصلی آن ها در شبکه ای بودن پیوندشان آشکار می شود؛ شبکه ای که در آن، مسجد کانون سامان دهی معنوی و اجتماعی، مدرسه محل تولید و بازتولید سرمایه علمی و دینی، و بازارچه پشتیبان برای استمرار معیشت و پایداری روزمره محله است. بر این اساس، بناهای مزبور را باید نه به منزله عناصری منفرد، بلکه به مثابه اجزای یک نظام شهری به هم پیوسته دید که در آن، کارکردهای مذهبی، آموزشی و اقتصادی در کنار یکدیگر نوعی تعادل اجتماعی پدید آورده اند.

از این منظر، مسجد قطب اولیاء تنها یک بنای عبادی یا اثر تاریخی منفک از پیرامون خود نیست، بلکه در پیوند با مدرسه علمیه و بازارچه وابسته، هسته ای مؤثر در شکل گیری پایداری اجتماعی و استمرار حیات محله به شمار می آید. چنین پیوندی نشان می دهد که حیات قطب آباد بر هم افزایی میان نهادهای دینی، آموزشی و اقتصادی استوار بوده و همین هم افزایی، در گذر زمان، هویت جمعی محله را برکشیده است. بنابراین، اگر در صورت بندی پیشین مسجد به عنوان مرکز فرهنگی - مذهبی و موقوفات آن به عنوان پشتوانه اقتصاد محله معرفی شد، در این مرحله باید بر «ساختار ارتباطی» این عناصر تأکید کرد؛ ساختاری که از خلال آن، مسجد، مدرسه و بازارچه به مثابه سه رکن مکمل، نظامی پایدار از زیست شهری در قطب آباد را شکل داده اند و از این رهگذر، مقاله را از سطح گزارش توصیفی به مرتبه تحلیل ساختاری ارتقا می دهند.

۳. نتیجه گیری:

یافته های این پژوهش نشان داد که محله قطب آباد، برخلاف تصور رایج از محلات کوچک شهری، در دوره های صفویه تا قاجار واجد کارکردی چندلایه و فراتر از سکونت صرف بوده است. تحلیل اسناد وقفی، کتیبه های مسجد و شواهد



سفرنامه‌ای آشکار ساخت که مسجد قطب‌اولیاء نه تنها مرکز مناسک مذهبی؛ بلکه هسته‌ای فعال در سامان‌دهی روابط اقتصادی، آموزشی و حتی اداری محله بوده است. خوانش تحلیلی وقف‌نامه صفوی ۱۰۲۲ق و سنگ‌نگاره قاجاری ۱۳۰۷ق برای نخستین‌بار ساختار اقتصادی پایدار مسجد و نقش موقوفات در تداوم حیات اجتماعی محله را روشن ساخت. پیوند تنگاتنگ مسجد با بناهای وابسته‌ای چون مدرسه علمیه، بازارچه و آب‌انبار، الگویی عینی از هم‌نشینی دین، معیشت و آموزش در محلات تاریخی کرمان ارائه می‌دهد. افزون بر این، شواهد تاریخی نشان می‌دهد که مجاورت قطب‌آباد با ارگ حکومتی و حضور رجال دیوانی، به این محله نقشی استراتژیک برای حضور نخبگان قدرت بخشیده است. پژوهش حاضر با عبور از رویکرد توصیفی متداول، مسجد قطب‌اولیاء را به مثابه یک نهاد محله‌ساز و کنش‌گر در ساخت قدرت شهری تحلیل کرده است. بدین ترتیب، نوآوری اصلی مقاله در بازسازی تصویر یک پارچه از محله‌ای است که کارکردهای مذهبی، اقتصادی و سیاسی آن در تعامل با وقف و نهاد مسجد شکل گرفته و تداوم یافته است. این مطالعه می‌تواند الگویی تحلیلی برای بازخوانی نقش مساجد محله‌ای در ساختار تاریخی شهرهای ایرانی فراهم آورد.

عدم تعارض منافع

نویسندگانی که نام‌هایشان ذکر شده است تأیید می‌کنند که هیچ وابستگی یا مشارکتی با هیچ سازمان یا نهادی که منافع مالی (مانند حق‌الزحمه؛ کمک‌های آموزشی؛ شرکت در سخنرانی‌ها؛ عضویت، استخدام، مشاوره، مالکیت سهام یا سایر منافع مالی؛ و شهادت کارشناسی یا ترتیبات مجوز اختراعات) یا منافع غیرمالی (مانند روابط شخصی یا حرفه‌ای، وابستگی‌ها، دانش یا باورها) در موضوع یا مواد مورد بحث در این دست‌نوشته داشته باشد، ندارند.

منابع

۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، (۱۴۰۵ق)، *عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه*، تصحیح: مجتبی عراقی، قم: دار سید الشهداء للنشر.
۲. افضل الملک، غلامحسین، (بی تا)، *سفرنامه خراسان و کرمان*، تصحیح: قدرت الله روشنی، تهران: توس.
۳. برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۷۱)، *المحاسن*، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۴. دانشور، محمد، (۱۳۸۸)، *محله های قدیمی شهر کرمان*، کرمان: بنیاد کرمان شناسی.
۵. رزم آرا، (۱۳۲۸)، *فرهنگ جغرافیایی ایران*، تهران: سازمان جغرافیایی کشور.
۶. صدوق، محمد بن علی، (۱۴۱۳ق)، *من لایحضره الفقیه*، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
۷. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹ق)، *الکافی*، قم: دارالحدیث.
۸. محرابی کرمانی، (۱۳۲۰)، *تذکره الاولیاء*، تهران: بی جا.



۹. مسعود صفایی پور، سلمان ایزد نژاد، (۱۴۰۳)، *مطالعات پایداری و توسعه سکونتگاه های همساز با اقلیم*، دوره سوم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳، پیاپی ۳.
۱۰. مشیزی کرمانی، (۱۳۶۹)، *تذکره صفویه کرمان*، تصحیح و حاشیه: محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: نشر علم.





پیوست ها:

وقف نامه مسجد قطب اولیاء





کتیبه نویافته در مسجد قطب اولیاء

